

دی بور (۱) مستشرق معاصر هلندی علت عمدۀ توجه
 فوق العادۀ مسلمین را بلغت عربی این میدانند که بسیاری
 از اشخاصی که بدین اسلام نگرویده بودند و فقط بزبان
 عربی آشنائی داشتند اشتباهات نحوی زیادی بقرآن نسبت
 میدادند و مسلمین برای پاسخ دادن بآنها دقت وافری در لغت عربی کرده بقصد
 استدلال بر صحت استعمال لغات قرآن بمورد خود و درستی جمله های آن ،
 لغات رایج بین بدویان و اشعار شعراء جاهلیت را جمع آوری مینمودند و برای
 اثبات صحت لغات و درستی عبارات بدویان و شعراء عرب هم که میخواستند از
 آنها بنفع قرآن نتیجه بگیرند ، ملاحظاتی کلی بر هر يك از لغات و اشعار
 میافزودند (۲)

اگر چه اینعلت که دی بور بآن اشاره کرده است علت عمدۀ توجه
 مسلمین بلغت عربی بشمار میرود ولی بعقیدۀ ما نمیتوان علت مزبور رایگان
 علت این توجه دانست زیرا که بدون در نظر گرفتن اعتراضات مخالفین بر قرآن ،
 مسلمین برای فهم و درك معانی کلمات آیات قرآنی و استنباط احکام از آنها
 توجه فوق العادۀ بلغت عربی مبذول میداشتند و علت این توجه عمدۀ تراز علتی
 میباشد که دی بور ذکر کرده است و ضمناً باید دانست که اهمیت لغت عربی
 و اشتهار آن تنها بواسطۀ نزول قرآن بآن لغت نیست بلکه بیشتر از این جهت
 لغت عربی دارای اهمیت است که مفردات فراوان و تعبیضات بسیار و استعداد زیاد
 برای قبول اشتقاق و بلاغت کافی برای اداء معانی بسیار با لفظ اندك دارد و نظر
 باینجهاست که میتوان ادعاء نمود کمتر لغتی در دنیا هست که با لغت عربی قابل
 همسری باشد و شاید هم فی الواقع غیر از لغت لائین و سانسکریت (۳) که هر دو

(۱) T.J.De Boer

(۲) تاریخ فلسفۀ در اسلام ؛ ص ۳۳

(۳) زبان لائین منسوب بقوم لائین (Latins) است و اینقوم از نژاد قبائل کوهستانی
 سابین (Sabins) بوده اند که در ولایت لاسیوم (Latium) از ولایات ایتالیا قدیم
 سکونت داشته اند و لاسیوم در جنوب رود تیبر (Tibre) واقع بوده و زبان سانسکریت
 (Sanscrit) مهمترین شاخۀ زبانهای هند و اروپائی است که در ازمنۀ قدیمه در مشرق
 زمین بآن تکلم میکردند .

از ریشه هند و اروپائی بوجود آمده است، لغت دیگری نباشد که با این لغت سامی بتواند دعوی برابری کند و سر اینکه لغت عربی باندک زمانی لغت علمی شد و روز بروز هم بر اهمیت آن افزوده گردید، همین امور یعنی داشتن مفردات فراوان و نیروی تعبیرات بسیار و استعداد زیاد برای قبول اشتقاق و بلاغت کافی معانی ادا شده بکلمات این زبانست و پس از اسلام هم تنها مسلمین با اهمیت ادبی و علمی آن کمک نکردند بلکه بسیاری از ملل غیر مسلمان در این افتخار شرکت دارند و حتی در برخی از اوقات بعضی از افراد ملل غیر مسلمان در این موضوع بر مسلمین پیشی جسته اند چنانکه بیشتر کتب طبّی یونانی را دانشمندان سریانی و عبرانی غیر مسلمان و غیر هم عربی ترجمه کرده اند و ابن اصیبه، قریبسی نفر را از همین اشخاص نام میبرد که در ایام خلفاء اولیه عباسی بترجمه کتب مهمه و متعدده طب یونانی عربی پرداخته اند (۱) و در سائر علوم و فنون و انواع ادبیات عربی هم شرکت ملل غیر مسلمان خالی از تأثیر زیاد نیست چنانکه همین حالا آباء یسوعیین بیروت هستند که پرچم فصاحت لغت ناطقین به وضاد را بالاتر از پرچمهای فصاحت لغات دیگر بر فراز کنگره ادبیات بین المللی جهان افراشته اند و سالی نیست که بوسیله مطابع ظریفه خود کتاب مهمی باین لغت اهداء نکنند و در قرن ششم هجری هم ابن تلمیذ ملقب بامین الدوله طبیب که از عظماء و قسیمین نصاری بغداد بوده بقدری بنظر اهمیت بلفظ عربی مینگرست که در شرح حالش نوشته اند: در حین تدریس طب (که بهیچوجه ربطی بادیات هم ندارد) همیشه دو نفر از نحاة بغداد را حاضر مینمود که اگر محصلین طب در ضمن مباحثات و مناظرات شبههائی در اعراب کلمات یا لحنی در تقریر عبارات عربی کنند، آندو نفر از آنهار رفع شبهه نمایند (۲) و از این قبیل مردم که با وجود مسلمان نبودن بترویج لغت عربی اهتمام میورزیده اند بسیار است و علت تمام این قبیل اهتمامات نیست مگر اینکه خود لغت عربی دارای اهمیت ذاتی و اصلی و قابل این توجهات میباشد.

(۱) برای شناختن این مترجمین رجوع بکتاب «عیون الادباء» ج ۱ ص ۲۰۳-۲۰۶ شود

(۲) مطارح الانظار؛ ج ۱ ص ۲۲۷